خراسان رضوی

صفحه آخر

چهارشنبه
۲۳ فروردین ۱۳۹۶
۱۴ رجب ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۳۸

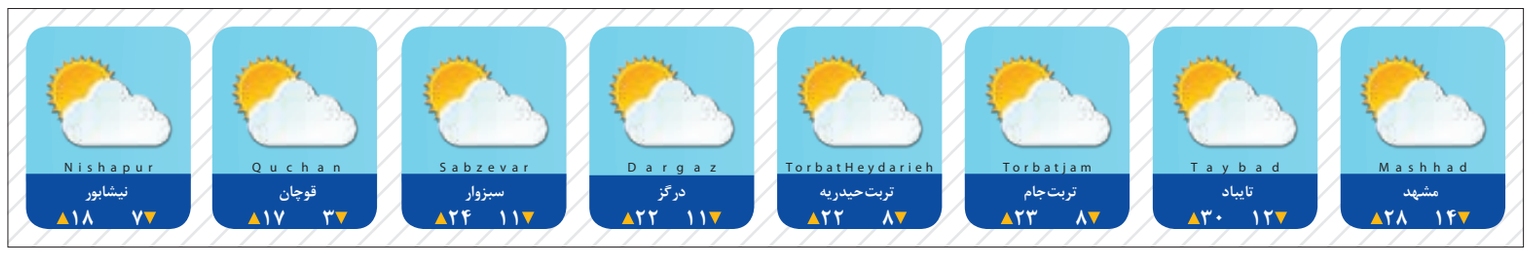

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم (ص)

به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی شوید مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی شوید، مگر این که یکدیگر را دوست بدارید. آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید.

مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۲۳

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
به روزگار آمدم بنده وار با لب پر توبه و زبان پر استغفار
خواهی به کرم عزیز دار خواهی خوار که خجلم و شرمسار
و تو خداوندی و صاحب اختیار.
الهی موجود نفس های جوانمردانی
حاضر دل های ذاکرانی
از نزدیک نشانت می دهند و برتر از آنی
و از دورت می پندارند نزدیک تر از جانی.

شاعران خراسانی

خواندنی ها

فرزند دکتر علی شریعتی از پدر می گوید

ماجرای باباعلی و پیامک هایی که به نام او منتشر شد

«یکی از سران تازه وارد ساواک مشهد، یک بار گفته بود باباعلی» مرتب و کلاسه کنیم... سعی می کرد در رابطه صمیمانه ای با فرزندانش برقرار کند. گاه با هم اشعار و شعارهایی را هم خوانی می کردیم. سرود می خواندیم، اولش را او می گفت و ما بقیه را دکلمه می کردیم. چنین رابطه عاطفی را از کودکی با «باباعلی» داشتیم. من زودتر از بقیه با فضای فکری دکتر آشنایی پیدا کردم. مکاتباتی با او داشتم. اولین نامه ای که او به من پاسخ داد، یکی از مهم ترین خاطرات زندگی من بود. البته آن نامه بعدا تکثیر شد و باعث درد سر با ساواک شد. اینجا دیگر وارد گفت وگوی فکری شده بودیم. اما پیش از آن نه فقط پدر و فرزندی، بلکه رابطه معلم و شاگردی برقرار شده بود. خاطرات تلخ و شیرین زیاد است. روزی که او از زندان آزاد شد، روز عید سال ۵۴ بود که خیلی روز خوبی در زندگی ما بود. دوران خوبی پس از سختی شدید بود. چون غیر مترقبه بود. فکر نمی کردیم به این زودی گرفتاری رفع شود و البته بعد هم نشد.»

پسر مرحوم شریعتی البته گلایه هایی هم دارد از جامعه ای که می تواند درک بهتری از شخصیت چندبُعدی این متفکر داشته باشد؛ «ابعاد مرموز یا توجه برانگیز شخصیت پدرم، همین بُعد خصوصی است. باز به دلیل ناآشنایی ممکن است از همین ها سوءبرداشت شود. مثلا می گفتند چرا دکتر شریعتی پیش از این که بداند فرزند اول دختر است یا پسر، اسم پسر را انتخاب کرده است؟ پس او مردسالار بوده! یا چرا با وجود این که خانمش تحصیلات بالا داشته مجبور شده به کارها و امورات بچه ها و خانه برسد؟ پس دکتر شریعتی به ایشان ظلم کرده است! در حالی که دکتر در همان حال در پیشرفت فکری و تحصیلی و تعلیمی همسرش به او یاری می رسانده.

او این عدم شناخت را عامل ایجاد موج پیامک ها و جمله های ساختگی منسوب به پدرش دانسته و متذکر شده است: در میان عموم بحث هایی می شود، این رویکردها چه در مقام دفاع و چه در حمله ناقص اند و در نهایت تصاویری ساخته می شود مثل همان شریعتی که در پیامک ها و اس ام اس ها نقل می شود. این داستان از آن جا شروع شد که یک سری جملات در نقد وضعیت موجود توسط هواداران شریعتی نقل می شد. بعد موج دیگری آمد تا موج قبلی را خراب کند (گاه ممکن بود غیر عمدی هم باشد) که جملات سطحی و رمانتیک را منتشر می کردند که این سبک شریعتی شد. عده ای هم تمرین می کردند، به نام شریعتی جملات خودشان را می نوشتند.

این ها بخشی از اظهارات احسان شریعتی، فرزند مرحوم دکتر علی شریعتی است که در گفت و گویی با نشریه «چلچراغ» از تصویری گفته که از پدر در ذهن او باقی مانده است.

او در پاسخ به این سوال خبرنگار که شیرین ترین خاطره اش از «باباعلی» کدام است، عنوان کرده است: «هنوز در جعبه شیرینی اش را اندازه نگرفتیم که بگوییم «ترین»ش کدام است. دکتر اصولا شخصیتی اهل طنز و خوش محضر بود. همیشه روی خونسردی تاکید داشت. حفظ خونسردی برای من بسیار سخت است. مخصوصا در تهران و سبک زیست در این ترافیک و مناسبات و اوضاع و احوال و شرایط... به طور کلی، به ما می آموخت که توصیه هایش را به صورت «درس های

قصه‌های ناتمام

رفیع طلب

گفت و گو با مستندساز جوانی که جایزه بهترین مستند بلند جشنواره آتن آمریکا را از آن خود کرد

آرزویم ساخت مستندی از یمن و مبارزان مردمی آن است

مستند «تنها میان طالبان»، ساخته محسن اسلام‌زاده در اولین حضور بین‌المللی خود، برنده جایزه بهترین مستند بلند جشنواره آتن آمریکا شد. این خبر کوتاه، آنجا اهمیت پیدا می کند که بدانیم جوان ۳۷ ساله‌ای که این اثر را ساخته، برای ارائه تصویری شفاف‌تر از جنگ افغانستان و یکی از مهم‌ترین گروه‌های درگیر در این منازعات، ماه‌ها در خطرناک‌ترین مناطق این کشور حضور داشته است.

«محسن اسلام‌زاده»، مستندساز مشهدی، سرپُرشوری دارد و در این سال‌هایی که به ساختن آثار مستند مشغول بوده، سخت‌ترین و خاص‌ترین سوژه‌ها را برای روایت کردن از زاویه دوربینش، انتخاب کرده است. از «اسرار زندان ابوسلیم» در لیبی بگیرید تا روایت «اهل سنت ایران».

حالا که شاخص‌ترین اثر او، «تنها میان طالبان» گوی رقابت را از مستندهای بین‌المللی دیگر ربوده و در انتظار حضور در دو جشنواره بین‌المللی دیگر در مسکو و تگزاس نیز هست، بهانه را برای گفتگو با وی کافی دیدیم:

روایتی متفاوت از آن سوی خط جنگ

سرخطِ شروع مستندسازی اسلام‌زاده به سال ۸۲ و ماجرای ساخت کلیپی برمی گردد که در آن از صدای دکتر علی شریعتی استفاده کرده است. این اثر که محوریتش جهان اسلام و فلسطین است مورد توجه محافل مختلف قرار می گیرد و در مراسم و همایش های مختلف اکران می گردد و سرآغازی می شود تا در سال ۸۳، فیلمی به نام «دژبان شرق» را با هزینه شخصی در سیستان و بلوچستان بسازد که محوریتش شهدای مبارزه با مواد مخدر است. همین اثر، با همه ضعف ها و قوت هایش بهانه شروع حرفه ای کار او می شود.

خودش اما تعریف می کند: بعد از آن بود که مستندی در مورد مرزبانان با کمک سید محسن اصغرزاده در سیستان و بلوچستان و در اوج عملیات تروریستی عبدالمالک ریگی تهیه کردم، کاری که در آن به هر بهه بسیار مورد توجه قرار گرفت.

او در ادامه، سفرهای متعددی به کشورهای مختلف دارد و در هر کار جدید هم تجربه ای نو برایش رقم می خورد. اما یک اتفاق جرقه ساخت مستندی متفاوت را در ذهن او می زند؛ «در سال ۹۰ برای ساخت مستندی درباره شهدای دیپلمات به مزار شریف رفتم، آنجا صحبت هایی در مورد طالبان می شد که با آنچه در رسانه ها در خصوص آن ها دیده و شنیده بودم، تفاوت داشت. انگار ما تحت تاثیر رسانه های غربی تصور دیگری از طالبان پیدا کرده بودیم که به دور از واقعیت بود. همان جا عزم ساختن اثری با این محوریت را کردم. یک سال و نیم بعد، به کمک شخصی که با طالبان در ارتباط بود، سفری به قندهار داشتم اما در عملی کردن نیتم ناکام ماندم و نتیجه آن سفر، مستند دیگری با عنوان «سفر به دیار پشتون ها» شد.

او دست از تقلا برنمی دارد و در دومین تلاشش، با افراد ملا اختر محمد منصور، مرد شماره دو طالبان ارتباط می گیرد. پیام می فرستد که قصد ساخت مستندی را دارد و می خواهد تصویری شفاف‌تر از این گروه ارائه کند؛ «یک سالی از پاسخ آن ها خبری نشد. من خیلی ناامید شده بودم، حتی چند باری به این امید که بستری فراهم شود ریش هایم را بلند کردم به این امید که شاید بسترش برای حضور در میان این گروه فراهم شود. ولی بالاخره بعد از ماه ها پیگیری در خرداد ۹۳ توانستم به میان طالبان بروم. محصول آن ایام سخت هر چه بود، برای من ماندگار شد.»

۱۵ ترکش محصول یک مستند از مقابله با داعش

از اسلام‌زاده که برای ساختن مستندهایش به قلب مناطق جنگی رفته و در جمع خطرناک‌ترین گروه‌های نظامی حضور یافته، می‌پرسیم آیا جایی بوده که تا یک قدمی مرگ هم رسیده باشی؛ در پاسخ بیان می کند: هشتم فروردین ۹۴، در حال ساخت اثری در خصوص یکی از گروه‌های مبارز اهل سنتی بودم که در جبهه مقابل داعش می جنگند. ناگهان انفجاری رخ داد و تقریبا ۱۵ ترکش به من خورد که باعث شد روانه بیمارستان و سپس برای درمان عازم ایران شوم.

می خواهیم بدانیم، آیا موضوعی بوده که این مستندساز جوان مایل به ساخت اثری درباره آن باشد اما در عملی کردن نیتش ناکام بماند. اسلام‌زاده در جواب، عنوان می کند: از این دست موضوعات زیاد است

و آنچه باعث شده تا دوربین ما سمت این موضوعات نچرخد، نفوذ و تاثیر غربی ها در نقاط مختلف جهان است که حضور تیم های مستندساز ایرانی را با محدودیت جدی مواجه می کند. در بسیاری از کشورهایی که امروز به بحران دچارند، یک قانون نانوشته وجود دارد و آن ممنوعیت حضور تیم های فیلم‌ساز ایرانی است. در حقیقت غرب می داند که حضور هنرمندان ایرانی در مناطقی مثل تونس، لیبی، یمن و...، می تواند معادلات را به هم بزند چون آن ها بستر یک گفت وگوی جدید را شکل می دهند و حقایق را به تصویر می کشند.

او دوست دارد که پروژه بعدی اش از یمن و مبارزان این کشور مسلمان باشد و از همه مهم‌تر، اتفاقاتی را که بر این کشور می‌رود روایت کند.

دوست نداشتم مرگم راه مستندسازان دیگر را ببندد

اما این مستندساز جوان که با حضورش در جمع طالبان، اثری ماندگار را در حوزه مستند تولید کرده است، تاکید دارد که این کار آن قدرها هم آسان نبوده است؛ «در روزهای پایانی ساخت این مستند، مقرر بود با یکی از اعضای شورای رهبری طالبان دیداری داشته باشم. خاطرم هست، در بیابانی حضور داشتیم که در آن نه از جاده خبری بود و نه از انسان دیگری. کسانی که همراه من بودند سلاح های خود را آماده کردند و گفتند هر آن امکان درگیری هست و ممکن است که آمریکایی ها جایی در این منطقه به کمین نشسته باشند. با اینکه حسابی نگران بودم اما ته دلم چیزی نوید می داد که نتیجه این سفر خوب خواهد بود. عهد کردم مراقب باشم تا اتفاقی برایم نیفتد چرا که می توانست برای کشورم هزینه تولید کند و راه مستندسازان دیگر را ببندد. خلاصه آن روزهای سخت هم سپری شد و نتیجه همان طور که فکر می کردم خوب بود.»

این هنرمند تاکید دارد که به حمایت های مالی فکر نمی کند و تنها دغدغه‌اش آن است که به مشکل مالی برنخورد تا مجبور نشود وقتش را برای تولید آثار تبلیغاتی صرف کند.

شعر دوران کودکی‌ام نجاتم داد

از او می خواهیم خاطره‌ای هم از دوران ساخت مستند «تنها میان طالبان» بیان کند. با چاشنی لبخندی می گوید: در سفر به مناطق تحت تسلط طالبان، از آن ها خواهش کردم که من را به یک منطقه شیعه نشین نیز ببرند. آن ها هم سمت شهرستان نوزاد و روستایی که به گمانم نامش «زیارت» بود، راه افتادند. اهالی این روستا، من را که ریش هایم بلند و چهره‌ام آفتاب سوخته شده بود، یکی از اعضای طالبان می پنداشتند و برخورد سردی داشتند. به آن ها گفتم ایرانی و شیعه‌ام اما باور نکردند. می گفتند: دروغ می گویی، اگر ایرانی هستی پس مُهر نمازت کو؟ برایشان توضیح دادم که قبل از سفرم نمی دانستم آیا طالبان با مُهر مشکل دارند یا نه؟ پس همراهم نیاوردم. خلاصه کار به جایی کشید که مجبور شدم شعری که در دوران خردسالی و در مهد کودک یاد گرفته بودم را برایشان بخوانم: «ای یار با شهامت بگویم از امامت، امامت خوش لقا دوازده پیشوا آمده بعد از نبی اول ایشان علی...» همین را که خواندم باورشان شد و به گرمی از من پذیرایی کردند.

یادداشت

محمدرضا قدیرزاده

کارشناس ارشد مرکز تحقیقات سازمان پزشکی قانونی کشور و درمانگر اعتیاد

ضرورت اصلاح روش‌ها با توجه به تغییر در روند مصرف مواد مخدر

اعتیاد به مواد مخدر امروزه یکی از معضلات اساسی زندگی بشری به شمار می رود، نزدیک به یک قرن است که جامعه بشری در سطحی گسترده مصمم به چاره اندیشی درباره این معضل شده است. کشورهای مختلف با توجه به زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود راه حل هایی را برای مواجهه با این معضل لحاظ کرده اند.

تردیدی وجود ندارد که اعتیاد به عنوان یک آسیب اجتماعی خود زاییده آسیب های دیگری است و خسارت های مختلفی را نیز موجب خواهد شد.

بدین معنا که اعتیاد ممکن است ناشی از افسردگی، ناکامی و بیکاری باشد و در عین حال ممکن است زمینه بروز طلاق، پرخاشگری در خانواده، فرار از منزل و نظایر این ها را فراهم کند. اما نکته مهم و اساسی آن است که در سال های اخیر این پدیده با آثار تخریبی بیشتری همراه بوده و سیمای تلخ تری از آن در جامعه نمود یافته است.

آنچه این تلخکامی را موجب شده، گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر صنعتی بوده است. ترکیبات این مواد جدید مخدر آثاری به مراتب وحشتناک‌تر را بر سیستم عصبی و جسمی افراد وارد می کند و میزان وابستگی به این مخدرها به شکل نگران کننده‌ای بیشتر است.

البته که این تغییر گرایش جوانان از مواد سنتی که در اکثر کشورهای جهان رخ می دهد، تنها مختص به ایران نیست. در واقع وضعیت اقتصادی و سطح تحصیلات تاثیر بسزایی در تغییر ذائقه و نوع مصرف مواد دارد، طوری که در گذشته از مواد مخدری استفاده می شد که سستی و تخدیر را منتج می شد اما در شرایط فعلی مواد محرک و توهم‌زا بازار خود را پیدا کرده اند. برآوردها نشان می دهد؛ مصرف شیشه در گذشته در کشور ۶ درصد بود و در حال حاضر این میزان به ۲۶ درصد افزایش پیدا کرده است. علاوه بر این، ماده محرک و توهم‌زایی همچون گل در زمره پُرمصرف ها قرار گرفته است. همچنین استفاده از قرص ترامادول که موجب برانگیختگی و افزایش هوشیاری می شود، در بین جوانان بیشتر شایع شده که این امر بسیار هشداردهنده است.

آنچه در روند این تغییر گرایش نگران کننده می نماید، تبعات عملکردی مصرف کنندگان است. مصداق آن را در بروز جنایت هایی می توان دید که افراد به واسطه مصرف مخدرهای صنعتی مرتکب می شوند و اغلب با اخبار آن در رسانه ها مواجه می شویم. تاثیر سوء این مواد چنان است که سیستم عصبی و قدرت تحلیل افراد را از میان می برد و تبعاتی را منجر می شود که از فرد در حالت عادی به هیچ وجه انتظار نمی رود.

مسئولان چندی پیش اعلام کردند که طی یک دهه گذشته میزان مصرف مواد مخدر صنعتی از ۳ درصد به ۲۵ درصد رسیده و متاسفانه در این میان، تمایل زنان برای مصرف به ۲ برابر رسیده است. افزایش مصرف کنندگان به ویژه در میان خانم ها، گواه یک سونامی برای خانواده هاست.

به اذعان کارشناسان امر، مصرف مواد مخدر یکی از عوامل اصلی اختلال در روابط اعضای خانواده و ارتکاب جرایم است و بهداشت و سلامت افراد و جامعه را با خطرهای جدی مواجه می سازد و هزینه های اقتصادی آن برای کشور از حد تصور خارج است. بنابراین برخی مصرف مواد را جرم تلقی می کنند، حال اگر موضوعی تحت شمول جرایم کیفری تلقی شود باید برای مبارزه و مقابله با آن پدیده نیز از مکانیزم های مبارزه با جرم استفاده کرد که باز خود همین مبارزه هم نیازمند صرف هزینه های گزاف است.

گرچه تاکنون راهکارهای فراوانی برای مبارزه و حتی پیشگیری از این پدیده توسط سیاستگذاران اتخاذ شده، اما روند رو به رشد مصرف، حکایت از آن دارد که این سیاست ها به شایستگی محقق نمی شوند یا حداقل اثرگذاری کافی را بر بدنه جامعه ندارند.

بخشی از رویکردهای پیشگیرانه به ویژه در بخش مبارزه با این مخدرها، نیازمند اصلاح و ارتقای قوانین است. حذف مشروط حکم اعدام برای حمل مواد مخدر که در هفته های پایانی سال گذشته در مجلس رخ داد، دغدغه‌ای را در خصوص بازدارنده بودن مجازات ها شکل داد. طبعا طراحان این بحث دفاع خود را از آن دارند اما به هر روی، هر تغییر در رویکرد مبارزه با مواد مخدر، باید با روش و سیاستی جایگزین و جدید همراه باشد. همچنین به نظر می رسد مجازات حبس نیز به تنهایی جوابگوی شرایط موجود نیست. چنان که به گواه آمارها، ۷۵ درصد زندانیان کشور به دلیل جرایمی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با مواد مخدر مرتبط است، زندانی شده اند و در این میان، جرم ۴۴ درصد آن ها به صورت مستقیم با این مقوله مرتبط بوده است.

به نظر می رسد در حوزه فرهنگ سازی باید نگاه ویژه‌ای شکل بگیرد. البته که پیشگیری از پدیده شوم اعتیاد و فرهنگ سازی برای نسل های مختلف به منظور اجتناب از مصرف آن، روندی زمان بر خواهد بود اما یک برنامه ریزی قوی و جامع در این حوزه، می تواند تاثیری ریشه‌دار به همراه داشته باشد.

قاعدتا بخشی از برنامه های پیشگیرانه باید با محوریت خانواده ها تعریف شوند و اساسا ساختار مراقبت و حمایت، ابتدا باید در این بدنه شکل بگیرد. تقویت توان خانواده ها برای حمایت از اعضای خود، از تحمیل بسیاری از خسارت های آتی جلوگیری خواهد کرد.

با توجه به بحث های مطرح شده و دغدغه های موجود، باید تاکید کرد؛ مقوله پیشگیری و درمان اعتیاد، نظر به تغییر رویکردهای مصرف، باید در کشور مان به شایستگی اصلاح شود و هر قدر در این مسیر تعلل کنیم، خسران بیشتری را متوجه جامعه و نسل های آینده کرده ایم.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا عنایتی در تازه‌ترین قسمت از برنامه ۹۰ گفت که قرار است در مسابقه شنبه تیمش مقابل استقلال، فوتبال را کنار بگذارد. عنایتی در این گفت و گو اعلام کرد بزرگ‌ترین حسرت دوران بازی اش عدم بازگشت به استقلال پس از جدایی از این تیم بود. عنایتی در پاسخ به این که چرا بعضی اوقات در پست های عجیب مثل دفاع آخر بازی کرده و آیا پشیمان نشده گفت: من بازیکن هستم و هر پستی مربی بخواهد بازی می کنم. در آن بازی مقابل استقلال هم کمی کم تجربگی کردم و مهاجمان استقلال سرعتی بودند و با دو تکلی که در محاسباتش اشتباه داشتم به درستی کارت زرد گرفتم و اخراج شدم. من برای هر تیمی بازی می کنم تمام وجودم را می گذارم اما متاسفانه برخی ها از کم کاری من صحبت می کنند که در پاسخ باید بگویم اگر کسی قرار است از استقلال ناراحت باشد آن خود من هستم که با شرایط بدی از این تیم جدا شدم. وی در ادامه صحبت هایش گفت: همیشه ممنون هواداران استقلال هستم و روزهای بسیار خوبی با آن ها داشتم و من را مورد لطف خودشان قرار می دادند. رابطه عاطفی دو طرفه‌ای بین ما بود و یک سری آدم ها آمدند رابطه ما را خراب کنند که موفق نشدند. مگر می شود آدم به بازیکن تیم خودش بگوید دندان پوسیده ولی این دندان پوسیده ۱۰ سال است بازی می کند و آقایانی که دندان طلا بودند معلوم نیست الان کجا هستند. عنایتی در پایان گفت: بهترین بازی دوران بازیگری ام برد پرسپولیس با گل من بود و بدترین بازی راه آهن و مس کرمان بود که چند موقعیت مسلم را از دست دادم و همان جا می خواستم از فوتبال خداحافظی کنم که کیوان امرایی مانع من شد.

در بخشی از این برنامه که فرزندان عنایتی هم در آن حضور داشتند، یکی از آن ها با تعجب از مهاجم صبا پرسید: مگه نگفته بودی مربی بارسلونا بودی؟! این سوال خنده شدید فردوسی پور را در پی داشت.

چهره‌های هنری و ورزشی مختلف، میلاد حضرت علی(ع) و روز پدر را در صفحات اجتماعی خود تبریک گفتند. برای نمونه، برزو ارجمند در صفحه شخصی خود یاد پدر مرحومش انوشیروان ارجمند را گرامی داشت و تصویری را هم از کار دستی پسرش به مناسبت روز پدر منتشر کرد. سعید سهیلی کارگردان، نیز در این روز یاد علی معلم را زنده کرد. رضا ناصحی بازیکن فوتبال هم یک قاب پُرخاطره را با پدرش شریک شد.

قاضی‌زاده هاشمی وزیر فریمانی بهداشت هم در پستی اینستاگرامی به مناسبت فرخنده میلاد حضرت علی(ع) نوشت: ای روزگار کاش می توانستی همه قدرت هایت را در خلق یک انسان بزرگ، نبوغ بزرگ و قهرمان بزرگ، جمع می کردی و به جهان ما یک علی(ع) دیگر می دادی.

نمای تاریخی

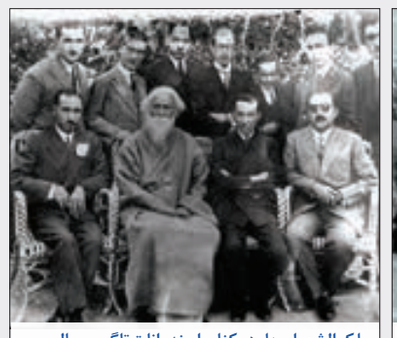

عکسی از خادمان روضه حسینیه مرحوم شیخ محمدتقی بجنوردی مشهد در صدسال پیش

ملک‌الشعراء بهار در کنار رابیندرانات تاگور - سال ۱۳۱۱